

بسم الله الرحمن الرحيم



پرسش و پاسخ های مهدوی

تهیه گفتگوی دینی



جلد پنجم

<http://www.askdin.com>

فهرست

- امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در چه زمانی غایب شدند؟
- ادعای این که ۴ نفر از سوی مهدی امام دوازدهم شیعیان، نیابت داشته‌اند، هیچ گونه مدرکی ندارد و علاوه بر آن این افراد در زمان حیاتشان هیچ گونه عملکرد سیاسی، عقیدتی و خدمت سازنده‌ای نداشته‌اند.
- امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌تواند الآن تشکیل خانواده بدهد یا خیر و اگر در جمع خانواده خود حضور داشته باشد لازمه آن پذیرفتن عهد حکومت ظالمان نیست لطفاً توضیح دهید؟
- انقلاب های نجات بخش چگونه می‌توانند زمینه ساز ظهور باشند؟
- چرا آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمی‌آید؟
- در پاکستان بعضی مردم تقلید را جائز نمی‌دانند و معتقدند چون امام ما زنده هست لذا ما از آن حضرت تقلید می‌کنیم؟
- در کتاب اصول کافی آمده است که حضرت صاحب الزمان - علیه السلام - به آخرین نایب خاصش فرمود: دروغ گو است کسی که بگوید مرا دیده است... پس چگونه است کسانی که می‌گویند ما امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیده‌ایم و یا داستانهای بسیاری که از علماء نقل می‌شود که در آنها از رؤیت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خبر می‌دهند؟
- می‌خواهم در زمان ظهور امام زمان - عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ - جزء پیروان ولایت فقیه باشم لطفاً مرا راهنمایی فرمائید؟
- آیا ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بستگی به تعداد یاران ایشان دارد یا به شرایط و اوضاع حاکم بر زمان؟

پرسش و پاسخهای مهدوی

پرسش و پاسخ های مهدوی (قسمت پنجم)

امام زمان - عج الله تعالی فرجه الشریف - در چه زمانی غایب شدند؟

پاسخ:

امام زمان - عج الله تعالی فرجه الشریف - دو غیبت داشتند:

۱. غیبت صغری: امام زمان - عج الله تعالی فرجه الشریف - در سن ۵ سالگی به منظور ایمن شدن از کشته شدن توسط حکام جور و همچنین سایر مصالح از دیدگان پنهان گشتند و تا مدت ۶۹ سال به وسیله نایبان خاص خود با مردم در ارتباط بودند که این غیبت از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و با رحلت آخرین نائب خاص خود علی بن محمد سمري (م ۳۲۹ هـ ق) در سال ۳۲۹ هجری قمری پایان یافت.

۲. غیبت کبری: پس از رحلت آخرین نائب خاص امام زمان - عج الله تعالی فرجه الشریف - آن حضرت در سال ۳۲۹ هجری قمری غیبت کبری آن حضرت آغاز گردید که تا حال ادامه یافته است. منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. امامت و مهدویت، آیت الله صادقی گلپایگانی.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند:

اگر همه مردم محبت و ولایت حضرت علی - علیه السلام - را می پذیرفتند خداوند آتشی را خلق نمی کرد.

اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الائمه، ج ۱، ص ۹۹، نشر مکتبه بنی هاشم

ادعای این که ۴ نفر از سوی مهدی امام دوازدهم شیعیان، نیابت داشته‌اند، هیچ گونه مدرکی ندارد و علاوه بر آن این افراد در زمان حیاتشان هیچ گونه عملکرد سیاسی، عقیدتی و خدمت سازنده‌ای نداشته‌اند.

پاسخ:

درباره نواب چهار گانه امام مهدی (عج) دارای چند جزء می‌باشد که هر کدام پاسخ جداگانه‌ای داشته که در جای خود توضیح داده می‌شود.

سؤال فوق از دو ادعا ذیل تشکیل شده است:

۱. ادعای اول این است که نواب چهار گانه هیچ مدرکی برای نیابت خود نداشتند.

۲. و ادعای دوم این است که نواب اربعه هیچ گونه عملکرد سیاسی، عقیدتی و... نداشته‌اند.

در جواب باید گفت: چنان که وجود حضرت مهدی - علیه السلام - در میان امت اسلامی یک امر مسلم و قطعی است وجود نواب خاص آن حضرت و نیز زندگی پرتلاش در ابعاد مختلف اجتماعی، اعتقادی و سیاسی آنان در نزد همگان بخصوص اهل تحقیق مسلم و قطعی است علاوه بر آن مدارکی نیز از طرف امام زمان (عج) در این مورد به دست ما رسیده است که به چند نمونه اشاره می‌شود. الف: عثمان بن سعید نایب اول، و در میان همگان مشهور و یک چهره شناخته شده بوده است او از اصحاب سه امام (امام هادی، عسکری و حضرت حجت - علیهم السلام -) بوده و در سال ۲۶۰ هـ. ق امام حسن عسکری - علیه السلام - نیابت او را، از امام عصر (عج) به جمعیتی که برای اطلاع و خبر گرفتن از امام آینده حضور حضرت رسیده بودند اعلام کردند و هم چنین شخص امام مهدی (عج) به عثمان بن سعید در مقابل جمعیت و هیئتی از مردم قم اشاره کرده و آن‌ها را به عثمان ارجاع داد. [۱] و نیز بعد از وفات امام حسن عسکری - علیه السلام - که عثمان مشغول تجهیز دفن بوده است، حضرت مهدی او را به منصب و کالت و نیابت نصب نموده و جواب مسائل شیعیان را به او ارجاع می‌دهد و بعد از آن توسط او به امام می‌رسید. [۲]

توقیعات صادر شده از ناحیه امام مهدی (عج):

توقیعات به افتخار عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان از ناحیه مقدسه صادر شده و به عنوان نمونه می‌توان به توقیعی که سعد بن عبدالله اشعری روایت کرده اشاره کرد:

«به نام خدا... خداوند شما دو نفر را در راه بندگی خود موفق و بر دین مقدس ثابت بدارد و شما را با آنچه که موجب خشنودی او است، نیکبخت گرداند. در رابطه با سؤالی که کرده بودید... آنها چگونه به فتنه افتاده و در وادی سرگردانی گام برمی‌دارند... اینها یا از روایات صحیح و درست خبر ندارند و یا آگاهند و خود را به فراموشی می‌زنند. مگر نمی‌دانند که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند، یا ظاهر

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

و آشکارست و یا پنهان و غایب... امام‌های که پس از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - رفتند، تا نوبت به امام پیشین پدر بزرگوارم رسید... سرانجام عهد امامت را به جانشین خود تسلیم نمود. و خداوند جانشین او را از دیده‌ها پنهان داشت... آنها بدانند که حق با امامت... [۳]

توقیع دیگری که به خط امام عصر (عج) به عثمان بن سعید رسیده است علامه مجلسی (ره) می‌فرماید: این روایت از شیخ موثق ابوعامر عامری نقل شده است... «به نام خداوند... خداوند ما و شما را از فتنه‌ها حفظ نماید و به ما و شما یقین عنایت فرماید... [۴]

و غیر از این مورد، توقیعات دیگری نیز صادر شده است که هر کدام دارای مضامین بلند است. در زمینه غیبت، مسائل اجتماعی و امورات و نیز زائل کننده هر گونه شک و شبهه می‌باشد. عملکردهای سیاسی و اجتماعی و...

۱. رسوا کردن جعفر کذاب، که بعد از امام حسن عسکری - علیه السلام - تلاش فراوانی کرد که خود را بعد از آن حضرت، امام معرفی کند. [۵]

۲. قرارداد مرکز فعالیت‌های خود در بغداد، برای این که بغداد دورتر از پایتخت عباسیها (سامراء) بود و بدور از چشم مقامات دولتی مردم را در غیاب امام رهبری می‌کرد. [۶]

۳. سازمان وکالت کارگزاران و معاونین: عثمان جهت فعالیت‌های همه جانبه معاونانی برای خود انتخاب کرده بود که در نواحی مختلف از طرف او فعالیت نمایند. که از جمله: حاجز بن یزید و شاء احمد بن اسحاق اشعری و... [۷]. او در مجموع ۵ سال نیابت داشت و دوران نیابت وی مقارن با خلافت «معمد» عباسی بود.

ب. دومین نایب حضرت مهدی (عج) محمد بن عثمان فرزند نایب اول است، در بسیاری از توقیعات که برای پدرش صادر شده بود، به وثاقت پسر نیز تأکید کرده بود. و در عین حال، از ناحیه حضرت برای شخص او توقیعاتی صادر شده است که از جمله، دربارهٔ تسلیت پدرش فرموده است... از کمال سعادت پدر شما این بود که خداوند فرزندی چون شما به او عنایت فرموده است که در جای او بنشیند و منصب او را به عهده بگیرد و از خداوند برایش رحمت و مغفرت بطلبی... [۸]

دوم این که، اسحاق بن یعقوب می‌گوید: از محمد بن عثمان خواهش کردم نامه‌ای که در آن مسائل مورد اشکال خود را نوشته بودم، به حضور امام - علیه السلام - تقدیم بدارد. و او هم پذیرفت. در پاسخ من توقیعی به خط امام زمان (عج) به این مضمون صادر گشت: محمد بن عثمان که خداوند از او و پیش از او از پدرش خشنود باشد، مورد وثوق من است و نامهٔ او نامهٔ من می‌باشد. [۹]

عملکردهای اجتماعی، فقهی، کلامی و... او بحثی مبسوط می‌خواهد که مجال برای آن نیست، مراجعه

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

شود. [۱۰] دوران نیابت وی مقارن با بقیه خلافت «معتمد» و خلافت «معتضد» و ده سال از خلافت «مقتدر» بود و در سال ۳۰۵ وفات یافت.

ج. سومین نایب امام مهدی (عج) ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است. وی در میان شیعیان بغداد از شهرت خاصی برخوردار بود. و او یکی از افراد مورد اعتماد و اطمینان محمد بن عثمان به شمار می‌رفت. ابوالقاسم، از اصحاب امام حسن عسکری - علیه السلام - بوده است و در زمان محمد بن عثمان یکی از کارگزاران نزدیک وی بود. [۱۱]

معرفی و انتخاب حسین بن روح به عنوان نایب سوم از طرف محمد بن عثمان بود. او دو سه سال قبل از وفاتش شیعیان را در مورد مسائل دینی و مالی و... به حسین بن روح ارجاع می‌داد. و هر کسی در این مورد تردید می‌کرد می‌گفت: این دستور از ناحیه امام - علیه السلام - صادر شده است. [۱۲]

فعالیت حسین بن روح پس از وفات نایب دوم بنا به وصیت نایب دوم در «دار النیابة» در بغداد در یک جلسه رسمی، که جمعی از شیعیان نیز در آن جا حضور داشتند، آغاز شد. طبق وصیت، خادم نایب دوم «ذکاء» کلید صندوقچه امانات را به او تسلیم کرد. [۱۳]

عملکردهای سیاسی: حسین بن روح، به خاطر انتساب به خاندان نوبختی، در زمان «مقتدر» در دستگاه عباسی از احترام خاصی برخوردار بود. به خاطر برخی فعالیت‌ها در سال ۳۱۲، به زندان افتاد و این زندانی شدن پنج سال به طول انجامید. و در مورد نیابت ایشان علما و محققین از اهل سنت نیز سخن گفته و درباره زندگی او تحقیقی داشته‌اند. [۱۴]

د. چهارمین نایب امام مهدی (عج) ابوالحسن علی بن محمد سمری است. او که چهارمین نایب امام - علیه السلام - است، همانند نواب دیگر از طرف امام به واسطه نایبش، نایب بعد از خود را تعیین می‌کرد. و او هم به دستور امام - علیه السلام - توسط حسین بن روح به عنوان نایب معرفی شد. و از جمله آن توفیق که دلالت بر نیابت سمری دارد، توفیقی است که از طرف امام - علیه السلام - شش روز قبل از مرگ وی صادر شده و مرگ او را تسلیت گفته و فرموده است:

«بنام خداوند... ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت و مرگ تو بزرگ دارد. شما بعد از شش روز دیگر خواهی مرد، پس امر حساب خود را جمع کن. و درباره نیابت بعد از خود، وکالت و نیابت به هیچ کس واگذار مکن. و دیگر غیبت کامل (غیبت کبری) فرارسیده است. نایب خاص دیگر هم ندارم، و تا زمانی که خدا بخواهد دیگر در انظار عموم ظاهر نخواهم شد. [۱۵]

سمری از نظر فعالیت‌های سیاسی فرصت زیاد نداشت. لذا، مثل نواب گذشته نتوانست فعالیت‌های

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

گسترده‌ای را انجام دهد. و از طرف دیگر در دوران وی ظلم و اختناق به اوج خود رسیده بود. و مدت نیابت او از سال ۳۲۶ تا ۳۲۹، سه سال به طول انجامید در نیمه شعبان همان سال درگذشت. [۱۶]

برای مطالعه بیشتر می‌توان به کتابهای ذیل مراجعه کرد:

۱. تاریخ عصر غیبت، مسعود پور سید آقائی و جمعی از نویسندگان.

۲. الغیبه، شیخ طوسی.

۳. السفراء الاربعه، محمد سند.

۴. نواب اربعه، غفارزاده.

پی نوشت:

[۱]. ابی جعفر محمد بن بابویه قمی، (صدوق) کمال الدین تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۶، نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۸۰.

[۲]. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، انتشارات کتابفروشی اسلامی، قم، ۱۳۳۸ ش.

[۳]. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، باب توقیعات، ح ۱۹، ص ۱۸۱، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م.

[۴]. همان، ص ۱۷۸، ح ۹؛ و ابی منصور احمد طبرسی، احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۶، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۹۸۳ م.

[۵]. ابی منصور احمد طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸، همان.

[۶]. دکتر جاسم حسن، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۴۹، انتشارات امیرکبیر، چ اول، ۱۳۶۷ ش.

[۷]. ابی جعفر محمد طبرسی، دلائل الامامه، ص ۲۷۲، طبع نجف اشرف، ۱۳۶۳؛ و رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۳؛ و رجال علامه حلی، قسم دوم، باب ۴، ص ۲۰۲.

[۸]. ابی جعفر محمد ابن بابویه قمی، (صدوق)، کمال الدین، ج ۲، باب توقیعات، ص ۵۱۰، نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۸۰.

[۹]. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۹۸۳ م.

[۱۰]. ابی جعفر محمد طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۴، ح ۲۴۸، مؤسسه نینوا، تهران؛ و رجال کشی، ج ۲، ص ۱۷، ابی عمر محمد کشی، مؤسسه اعلمی، کربلا.

[۱۱]. ابی جعفر محمد طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۷۱، همان؛ و کمال الدین، صدوق، همان، ج ۲، ص ۵۰۱.

[۱۲]. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۴، همان.

[۱۳]. شمس الدین محمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۲۲، مؤسسه الرساله، طبع یازدهم،

بیروت، ۱۹۹۸ م.

[۱۴]. تقی الدین ابی المعالی، و الوافی بالوفیات، ج ۱۲، ص ۳۶۶، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۲.

[۱۵]. علامه محمد باقر مجلسی، بحار، ج ۵۱، ص ۳۶۰، همان.

[۱۶]. محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ص ۴۱۴، منشورات مکتبه رسول الاعظم، ۱۹۷۲ م.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می تواند الآن تشکیل خانواده بدهد یا خیر و اگر در جمع خانواده خود حضور داشته باشد لازمه آن پذیرفتن عهد حکومت ظالمان نیست لطفاً توضیح دهید؟

پاسخ :

برداشت ما از این سؤال این است که اگر آن حضرت تشکیل خانواده داده باشند از آنجا که ازدواج به شناخته شدن حضرت می انجامد از اینرو آن حضرت از زندگی غایبانه خارج خواهد شد خروج حضرت از غیبت باعث می شود تمام عواقبی که در روایات به عنوان عوامل پنهان زیستی امام مهدی (عج) ذکر شده دامنگیر ایشان شود که یکی از آن ها بر گردن گرفتن بیعت ظالمان است. پیش از پرداختن به پاسخ سؤال فوق توجه به این نکته لازم است که در مورد مسأله ازدواج امام مهدی (عج) دیدگاه های مختلفی وجود دارد اما به نظر می رسد در این باره نمی توان به نظر قاطعانه ای دست یافت یعنی نه می توان ازدواج آن حضرت را قطعی تلقی کرد و نه عدم ازدواج را حال سؤال این است که اگر امام مهدی - علیه السلام - ازدواج کرده باشند آیا ازدواج به گردن گرفتن بیعت ظالمان منجر خواهد شد؟

به نظر می رسد پاسخ سؤال فوق منفی است و ازدواج امام مهدی - علیه السلام - به شناسایی حضرت منجر نخواهد شد بر این مطلب دلایل مختلفی می توان اقامه کرد:

۱. در روایات متعددی به این نکته اشاره شده است که گروهی از افراد مؤمن و پرهیزگار که از نظر مراتب معنوی رتبه های بلندی دارند در دوران غیبت امام مهدی - علیه السلام - را همراهی می کنند. امام باقر - علیه السلام - در این باره فرموده اند: «و ما بثلاثین من وحشه» [۱] امام مهدی - علیه السلام - با وجود سی نفر تنها و بی مونس نخواهد بود.»

بر این اساس اگر ارتباط و همراهی این گروه با آن حضرت به شناسایی ایشان در میان مردم منجر نمی شود - که نمی شود - پس این امکان هم وجود دارد که حضرت همسر داشته باشند و در عین حال به زندگی غایبانه ایشان هم لطمه ای وارد نشود به تعبیر دیگر همسر حضرت نیز از نظر مراتب معنوی حائز رتبه های بالایی باشند و امر حضرت را مخفی نگاه دارند.

۲. این امکان نیز وجود دارد که امام مهدی - علیه السلام - از میان بانوان معمولی همسر انتخاب نمایند بدون اینکه هویت واقعی خود را برای آنان آشکار نمایند. به تعبیر دیگر ما بر این باوریم که غیبت امام مهدی - علیه السلام - غیبت شخص نیست غیبت شخصیت است یعنی اینگونه نیست که به شکل معجزه گونه بدن حضرت به چشم ها دیده نشود بلکه آن حضرت در میان انسان ها زندگی می کنند دیده می شوند و می بینند اما از آنجا که هویت ایشان بر مردم مخفی است دیده شدن آن حضرت به شناسایی شخصیتشان منجر نمی شود بنابراین این احتمال هم احتمال معقولی است که امام مهدی - علیه السلام - ازدواج کرده باشند بدون اینکه همسر ایشان از هویت واقعی آن حضرت مطلع باشند و از این رو ازدواج امام مهدی - علیه السلام - به شناخته شدن و در نتیجه به برگردن گرفتن بیعت ظالمان منجر نخواهد شد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

جزیره خضرا در ترازوی فقه، نوشته جعفر مرتضی عاملی.

امام سجاد - علیه السلام - فرمودند:

چون قائم - علیه السلام - ما قیام نماید خداوند بیماری را از میان شیعیان ما می برد.

بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷

پی نوشت:

[۱]. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳.

انقلاب های نجات بخش چگونه می توانند زمینه ساز ظهور باشند؟

پاسخ:

در طول تاریخ (بجز دوران کوتاهی آن هم در جوامع خاص) قدرت سیاسی و نظامی همواره در دست طبقه مستکبر و سلطه جو بوده است، اما مطابق وعده های الهی این جریان نابهنجار به صورت اصولی و واقعی (نه شعاری و ادعائی) در انقلاب نهائی تاریخ راه نیستی می پوید و مستضعفین و صالحان مراکز قدرت را در دست گرفته و حکومتی جهانی را تشکیل خواهند داد، همان حکومتی که خداوند (تبارک و تعالی) در آیات متعدد وعده آن را داده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ [۱]

خداوند وعده فرمود: به کسانی از شما که ایمان آورده و نیکوکار گردند، در زمین خلافت دهد.

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَّفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. [۲]

اراده کردیم بر مستضعفین آن سرزمین سنت نهاده و آنان را امام مردم و وارث ملک و جاه قرار دهیم. این آیات و آیات دیگر همگی بیانگر وعده الهی بر پیروزی مؤمنین و حزب الله است، و از آنجایی که

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

وعده خداوند تخلف ندارد و این وعده نیز هنوز عملی نشده است پس باید به انتظار روزی بنشینیم که دین خدا غالب آمده و حزب الله پیروز شود.

اما از آنجایی که وقوع هر مسأله مهمی نیازمند فراهم بودن زمینه ها و مقدماتی می باشد تشکیل این حکومت عدل جهانی که مطابق روایات متعدد با ظهور حضرت ولی عصر (عج) محقق خواهد شد، نیز نیازمند به زمینه سازی و فراهم نمودن مقدماتی است.

این نوشتار درصدد بررسی این موضوع است که آیا انقلابهای نجاتبخش می توانند زمینه ساز برای آن انقلاب نهائی تاریخ و حکومت واحد جهانی باشند یا نه؟ لذا لازم است ابتدا به بیان ماهیت چنین انقلابهایی پرداخته و سپس اصل موضوع را مورد بررسی قرار دهیم.

در مورد چنین انقلابهایی باید گفت، معمولاً انقلابهایی که در دنیا به وجود می آیند در ابتدا شعار حمایت از مستضعفین و برخورد با مستکبرین و ظالمین جامعه را داشته و ادعای برپائی عدل در جامعه را دارند، ولی پس از پیروزی به خاطر نداشتن رهبران وارسته و شایسته و همچنین نداشتن مبانی فکری و اعتقادی کامل و همه جانبه نگر، نه تنها نمی توانند به شعارها و ادعاهای خود جامعه عمل بپوشانند، بلکه خود نیز به تدریج از آن مسیر اولیه منحرف شده و همان شیوه حکومتهای ناصالح را در پیش می گیرند. بنابراین منظور از انقلابهای نجاتبخش، انقلابهایی است که اصول خود را فراموش نکرده و حقیقتاً در پی بسط عدالت بوده و از آرمانهای خود دور نشوند، همچنین دارای مبانی اعتقادی و فکری متقن و قابل دفاع بوده و بر طبق آن اصول حرکت نمایند.

و اما در مورد زمینه ساز بودن چنین انقلابهایی باید گفت که اینها به صورت مستقیم و غیر مستقیم می توانند یکی از مهمترین عوامل زمینه ساز ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی باشند زیرا: اولاً: نفس وقوع چنین انقلابهایی باعث آگاهی مردم و دمیده شدن روح امید در آنان می شود و مردم شاهد به بن بست رسیدن روشهای استعماری بوده و ذلت ابر قدرتهای مادی و ناکارآمدی امکانات آنها را در برابر خواست مشروع ملتها نظاره گر باشند، و باور کنند که وقوع حکومتی واحد در دنیا بر اساس معیارهای اخلاقی و انسانی ممکن می باشند و منتظر و آماده وقوع امری چنین عظیم باشند. ثانیاً: این انقلابها می توانند به صورت برنامه ریزی شده و هدفدار کارهای اساسی انجام دهند که زمینه ساز آن مهم باشد، که در این نوشتار به نمونه هایی از آنها اشاره می شود.

۱. ارائه الگوی حکومتی: برپائی و ارائه یک حکومت در بخشی از دنیا بر اساس عدل و انصاف و رعایت اصول انسانی همراه با پیشرفت و تأمین نیازهای معنوی و مادی مردم به گونه ای که همگی متوجه گردند که وقوع حکومتی که تمام جوانب تعالی بشر را در نظر بگیرد ممکن است، یکی از کارهایی است که چنین انقلابهایی می توانند انجام دهند. و در این صورت است که ملتها خواستار

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

وقوع چنین حکومتی در سراسر عالم شده و آمادگیهایی نیز در آنان بوجود خواهد آمد.

۲. بالا بردن سطح فرهنگ و شعور اجتماعی مردم: از آنجائی که خداوند نمی خواهد بشر را مجبور به پذیرش حق نماید و منتظر آن است که مردم جهان به سطحی از فرهنگ و شعور اجتماعی برسند که بدانند مسأله نژاد یا مناطق مختلف جغرافیائی، ارزش نبوده و نمی تواند بشر را از هم جدا سازد، و از نظر اجتماعی نیز از ظلم و ستم نظامهای موجود خسته شده و تلخی زندگی مادی و تک بعدی را احساس کنند و در نهایت خود، حق را طلب نموده و مقدمات اجرائی حق و عدالت را فراهم سازند، انقلابهای نجاتبخش می توانند این تحولات را ایجاد کرده، حق و حقیقت را کاملاً برای دنیا تبیین نمایند و شیوه اجرائی حق و عدل را هم نشان دهند و ناکارآمدی مکاتب و حکومتهای صرفاً مادی را برای مردم روشن سازند و همچنین مردم را نسبت به این مطلب آگاه سازند که تمام جنایتهائی که در عالم رخ می دهد به خاطر وجود حکومتهای متعدد و در عین حال ناصالح است، و در صورت وجود یک حکومت واحد جهانی که متکی و مبتنی بر ارزشهای انسانی، ایمان، اخلاق و عواطف بشری است و فردی معصوم آن را اداره می کند دیگر از این مصائب و جنایتها خبری نخواهد بود.

۳. آمادگی نظامی و جذب نیروهای شایسته و کارآمد: هر چند با ظهور حضرت مهدی (عج) و ارائه برنامه ها و اهدافشان، توده های مردم به آن حضرت روی آورده و در خدمت او خواهند بود، اما درگیری و نبرد با بسیاری از زورمداران و ظالمین دنیا غیر قابل اجتناب و حتمی خواهد بود، ضرورت درگیری و نبرد بایستگی آمادگی و تجهیز را با خود دارد، باید از الآن به فکر افراد و تجهیزات بوده و با تهیه نیرو و اسلحه در اندیشه روز مصاف حق و باطل بود، لذا علاوه بر ۳۱۳ نفر از برگزیدگان و نخبگان که ارکان حکومت آن حضرت را تشکیل می دهند لازم است که عده ای خود ساخته تحت عنوان سربازان آن حضرت که در رده های مختلف اطاعت اوامر آن حضرت را نمایند وجود داشته باشند.

«هم اطوع من الامه لسیدهها» [۳] اطاعتشان از امام از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است.» افرادی که «اگر به کوهها روی آورند آنها را قطعه قطعه می کنند» [۴] دلهایشان چون پاره های آهن شده است. [۵] کسانی که در آوردگاه رزم حضرت را چون نگینی دُر بگیرند و جان خویش را سپر بایش کنند «یحفون به ویقونه بانفسهم فی الحرب» [۶] در میدان رزم گردش می چرخند و با جان خود او را محافظت می کنند.» و در این رسالت بزرگ همراه و همپای امام باشند. «بهم ینصر الله امام الحق» [۷]؛ و همچنین لازم است که امکانات و تجهیزات لازم نیز فراهم گردد این بار وعده خداوند به دست منتظران تحقق یابد.

انقلابهای نجاتبخش می توانند با جذب و تربیت نیروهای اینچنین و آماده نمودن ادوات و تجهیزات لازم در زمینه سازی برای دولت کریمه مهدوی نقش بسزائی را ایفا نمایند.

۴. آشنا نمودن مردم با وجود منجی و مصلح حقیقی: وجود مصلح جهانی از امیدها و اعتقادات پیروان ادیان الهی است. نظر به اینکه دنیا روز به روز به ظلم و ستم و خونریزی و بی عدالتی پیش می رود و هر ملت و گروهی منتظر اصلاح جامعه و دنیا هستند باید آنان را به وجود مصلح واقعی، که از نظر شیعه حضرت مهدی (عج) می باشد، آشنا نمود و آنان را به آمدن این یگانه حجت خداوند مژده داد، باید به معرفی شخصیت آن حضرت و عملکرد ایشان در دوران حکومتشان و وضعیت جهان و جامعه انسانی در زمان حکومت او پرداخت تا جهانیان با این مصلح حقیقی بشر آشنا و عطش به آن آب حیات در آنان شدت یابد و تقاضای ظهور آن حضرت اولین آرزوی زندگی و اولین دعای حقیقی آنان گردد. بدین منظور انقلابها و حکومتهای صالح می توانند با بهره گیری از امکانات روز به معرفی و تبیین سنجیده و حساب شده مسائل مربوط به شخصیت و مقام و منزلت آن حضرت و کلیه مسائل مربوط به ایشان و حکومتشان پردازند، و این باید از مهمترین سیاستهای راهبردی این انقلابها و حکومتهای دینی باشد.

مطالبی که تا کنون بیان گردید دلالتی هستند مبنی بر اینکه انقلابهای نجاتبخش می توانند از مهمترین عوامل زمینه ساز برای ظهور منجی و تشکیل حکومت صالح جهانی باشند، اما مهمترین دلیلی که ثابت می کند چنین انقلابهایی از جمله زمینه ها، و زمینه سازهای ظهور می باشند روایت متعددی است که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین - علیهم السلام - در این باب وارد شده است. رسول اکرم (ص) می فرماید:

مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی (حکومت) مهدی (عج) فراهم می سازند. [۸] همچنین امام باقر - علیه السلام - می فرماید:

گویا می بینم مردمی در شرق قیام کرده و حق را طلب می کنند به آنها نمی دهند، دوباره حق را می طلبند به آنها داده نمی شود وقتی مردم اوضاع را چنین دیدند شمشیرهای خود را بر شانه می گذارند، حال سردمداران حکومت حاضر می شوند حق آنها را بدهند که دیگر مردم قبول نمی کنند تا اینکه قیام می کنند و حکومت تشکیل می دهند و این حکومت و پیروزی را جز به صاحب شما (امام زمان (عج)) تحویل نمی دهند... [۹]

این دو روایت و روایات دیگر هر چند بر این مطلب که این انقلابها در چه زمانی و مشخصاً به دست چه کسانی واقع خواهند شد تصریحی ندارند اما به طور قطع دلالت بر این مطلب دارند که قبل از ظهور حضرت ولی عصر (عج) انقلاب یا انقلابهایی رخ خواهد داد که زمینه ساز و فراهم کننده مقدمات ظهور آن حضرت می باشند.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. عصر زندگی؛ علی کورانی

۲. خورشید مغرب؛ محمد رضا حکیمی، انتشارات دفتر تبلیغات.

پی نوشت:

[۱]. سوره نور، آیه ۵۵.

[۲]. سوره قصص، آیه ۵.

[۳]. امام صادق - علیه السلام - بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۵۲، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۴ هـ.ق، ص ۳۰۸.

[۴]. امام سجاد - علیه السلام - يوم الخلاص، کامل سلیمان، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵، ص ۲۲۳، (به نقل از بشاره الاسلام، ص ۲۲۵).

[۵]. همان.

[۶]. امام صادق - علیه السلام - بحار الانوار، پیشین، ص ۳۰۸.

[۷]. همان.

[۸]. کنز العمال، المتقی الهندی، تحقیق شیخ بکری حیانی، بیروت، موسسه الرساله، ج ۱۴، ص ۲۳۶، حدیث ۳۸۶۵۷، الزام الناصب، علی یزدی حائری، قم، مکتبه الرضی، ج ۲، ص ۱۴.

[۹]. کتاب الغیبه، نعمانی، ترجمه: محمد جواد غفاری، قم؛ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۸۳، بحار الانوار، پیشین، ص ۲۴۳.

چرا آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمی آید؟

پاسخ: در پاسخ این سؤال باید عرض شود که ظهور حضرت حجت همانند دیگر پدیده‌ها نیازمند یک سری مقدمات و شرائط و زمینه‌هایی همانند آمادگی جهان برای پذیرش حضرت، آماده بودن عده‌ای از اهل ایمان برای یاری آن حضرت و جانبازی در اهداف او، ایجاد انقلابهای نجات‌بخش و ... می‌باشد و چنانچه این زمینه‌ها فراهم آیند حضرتش ظهور خواهند کرد اما چنانچه ملاحظه می‌شود در عصر حاضر موانع متعددی برای ظهور آن حضرت وجود دارند که باعث می‌شوند حضرت حجت - علیه السلام - ظهور نفرمایند مهمترین موانع ظهور عدم آمادگی جهان برای پذیرش آن حضرت، جداسدن از معنویات و ارزشهای الهی و غرق شدن در باتلاق فساد و عدم وجود نیروهای کارآمد کافی برای قیام حضرت و عدالت‌گستری در جهان و غیره است و بهرحال می‌توان گفت علت اصلی عدم ظهور حضرت فراهم نشدن زمینه‌های ظهور می‌باشد و برای نزدیک شدن ظهور بایستی برای فراهم شدن این

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

زمینه‌ها سخت تلاش نموده و به اصلاح خود و جامعه پرداخته و افراد عاشق و جان بر کف را تربیت شوند و از طرف دیگر بایستی دست نیاز به آستان پروردگار یگانه بگشائیم و ظهور حضرتش را از خدا بخواهیم تا اراده حق تعالی هم به آن تعلق گیرد.

برای اصولی بیشتر می‌توان به کتابهای زیر مراجعه شود:

۱. عصاره خلقت درباره امام زمان (عج) / آیت الله جوادی آملی.
 ۲. حکومت جهانی امام عصر / گفتار فلسفی.
- حدیث: قال رسول الله صل الله علیه و اله -
(افضل الاعمال انتظار الفرج؛ برترین اعمال امت من انتظار فرج است.
بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۱۲۲.

در پاکستان بعضی مردم تقلید را جائز نمی‌دانند و معتقدند چون امام ما زنده هست لذا ما از آن حضرت تقلید می‌کنیم؟

پاسخ :

اما این که گفته شده بعضی از مردم تقلید را جایز نمی‌دانند چون معتقدند چون امام ما زنده هست و ما از آن حضرت تقلید می‌کنیم، حرف درستی نمی‌تواند باشد و تقلید در هر حال برای عامه مردم که مجتهد نیستند و احکام خدا را از قرآن و روایات نمی‌توانند به دست آورند امری لازم و واجب است و به جز آن، راه دیگری وجود ندارد زیرا انسان یا باید مجتهد باشد و یا محتاط باشد و در تمام مسائل احتیاط کند که امری فوق العاده شاق و دشواری است و یا مقلد باشد و از آنجایی که اکثر مردم مجتهد نیستند و احکام و تکلیف خود را از قرآن و احادیث نمی‌توانند استخراج کنند لذا وظیفه آنان تقلید است و در غیر این صورت اعمال و رفتار بدون تقلید باطل است و اما اینکه گفته شده بعضی معتقدند ما از خود امام زمان - علیه السلام - تقلید می‌کنیم حرف صحیحی نمی‌تواند باشد زیرا از زمان ائمه مرسوم بوده است که هر امامی در زمان خودش افراد مخصوصی داشتند که در مسائل، مردم را به آنان ارجاع می‌نمودند چنانکه در حدیث مقبوله عمر بن حنظله حضرت امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: «نظر کنید به کسانی از شما که احادیث ما را نقل می‌کنند و حلال و حرام ما را بیان می‌کنند و به احکام ما آشنائی دارند، راضی باشید به آنها (حکم آنها را بپذیرید) وقتی آنها حکم ما را بیان کنند و شما از آنان نپذیرید به حکم خداوند دستورات او استخفاف ورزیده‌اید و حکم ما را رد نموده‌اید و ردّ بر ما ردّ

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

بر خداوند است و ردّ بر خداوند هم شرک به ذات اقدس الهی است [۱] این حدیث شریف به طور روشن برای ما بیان می‌دارد که کسانی که حکم خدا را بیان می‌کنند و آگاه به احکام الله و دستورات او و راه اهل بیت عصمت هستند پذیرش حکم و دستورات آنان بر ما واجب است و اگر حکم آنان را نپذیرفیم حکم خدا را رد کرده‌ایم و رد حکم خداوند شرک به خداوند است. روشن است که سفارش و دستورات ائمه - علیهم‌السلام - این بوده است که مردم را ارجاع می‌دادند به آنهایی که آگاهی از مسائل دینی داشتند و حضرت امام حسن عسکری - علیه‌السلام - می‌فرماید: «من کان من الفقهاء صائناً لنفسه مخالفاً لهواه مطیعاً لامر مولاه فعلى العوام ان یقلدوه» [۲] کسی از فقها و دانشمندان که نگهدارنده نفس، مخالف هوای نفس و مطیع و پیرو مولاه و خداوند باشد بر عوام است که از او تقلید کنند و این حدیث شریف صریحاً بیان می‌دارد که مردم باید از فقها و دانشمندان در احکام الهی تقلید کنند و اگر تقلید از مجتهدان و فقها جایز نمی‌بود امام خود دستور نمی‌فرمود که بر مردم لازم است که از فقیهی که این ویژگی‌ها را داشته باشد تقلید کنید، امام - علیه‌السلام - فرموده است چون ما حضور داریم از ما تقلید کنید و در تمام مسایل خودتان به ما مراجعه کنید و از ما پرسید این حدیث نیز محکم‌ترین دلیل است بر ردّ آنهایی که می‌گویند ما از مجتهد تقلید نمی‌کنیم زیرا خود امام - علیه‌السلام - دستور به تقلید داده است.

دلیل دیگر در بطلان این استدلال که چون امام - علیه‌السلام - زنده هست ما از او تقلید می‌کنیم این است که امام زمان (عج) از هنگام ولادت در اختفا به سر می‌برد و بنا به مصالحی تولد و زندگی او آشکار نبود و بعد از رحلت پدر گرامی، غیبت صغرای آن حضرت آغاز شد. [۳] در آن زمان حضرت چهار نایب خاص داشت که فقط آنان با حضرت در تماس بودند و مردم مسایل و مشکلات خودشان را از طریق آن چهار نفر حل می‌کردند و این چهار نفر مسائل را به امام منتقل می‌کردند و از حضرت جواب می‌گرفتند و حضرت مستقیماً با مردم در تماس نبود و از دید و انظار مردم پنهان بود

و قضیه نیابت این مطلب را اثبات می‌رساند که مردم خود مستقیماً به حضرت دسترسی نداشتند و حضرت در خفا زندگی می‌کرد و به جز افراد ویژه کسی با حضرت در تماس نبود و حضرت این افراد را وکیل خود قرار داده بود تا مردم از طریق آنان مشکلات خودشان را حل کنند. این در زمان غیبت صغرا، اما در زمان غیبت کبرا یعنی بعد از رحلت آخرین سفیر حضرت که در سال ۳۲۹ هـ رخ داده است غیبت کبرا حضرت آغاز گردیده و احدی با حضرت مستقیماً در تماس نیست و او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد پس چگونه می‌شود که از آن حضرت تقلید کرد، و این با خرد انسانی سازگاری ندارد. دلیل دیگر بر بطلان استدلال آنهایی که تقلید از فقهاء را جایز نمی‌دانند حدیث شریفی است که از

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

خود حضرت حجت - علیه السلام - وارد شده است که حضرتش می فرماید: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله» [۴] حضرت حجت امام زمان - علیه السلام - می فرماید: حوادث (مسائل و رخدادهای به وجود آمده) که برای تان پیش می آید به ناقلان حدیث ما مراجعه نمائید زیرا آنان حجّت من هستند بر شما و ما حجت خداوندیم. طبق این روایت شریف مشاهده می فرمائید که حضرت مردم را به راویان و ناقلان حدیث که همان فقها هستند مراجعه داده است و فرموده در احکام و مسائل خودتان به آنان مراجعه نمائید که آنان حجت مایند بر شما و ما هم حجت خدایم بر آنان و این بهترین دلیل است بر حجیت قول فقها و تقلید از آنان.

منابع برای مطالعه:

۱. سیره پیشوایان، مهدی پیشوائی، مؤسسه امام صادق - علیه السلام - .
۲. منتخب الاثر صافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه - سلام الله علیها - .
قال امیر المؤمنین - علیه السلام - :
الداعی بلا عمل کالرّامی بلا وتر
آنکه بدون عمل خدا را بخواند مانند کسی است که نیزه بر کمان بدون زه نهد.

پی نوشت:

- [۱]. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دارالکتب اسلامیة، تهران، ج ۷، ص ۴۱۲.
- [۲]. حر عاملی، وسائل الشیعه، انتشارات آل البیت، طبع ثانیه ۱۴۱۴، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ر.ک: طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، انتشارات دارالنعمان، ص ۲۶۳.
- [۳]. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، انتشارات حضرت معصومه - سلام الله علیها - قم، طبع ثانیه، ۱۴۱۲، ص ۴۴۵ پاورقی.
- [۴]. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۰، و ر.ک: نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، طبع ثانیه، ۱۳۶۵، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

در کتاب اصول کافی آمده است که حضرت صاحب الزمان - علیه السلام - به آخرین نایب خاصش فرمود: دروغ گو است کسی که بگوید مرا دیده است... پس چگونه است کسانی که می گویند ما امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیده ایم و یا داستانهای بسیاری که از علماء نقل می شود که در آنها از رؤیت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خبر می دهند؟

پاسخ :

درباره ملاقات با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سه دیدگاه عمده وجود دارد:

۱. دیدگاه افراطی: براساس این دیدگاه تشریف بر محضر امام زمان (عج) امری ساده و همگانی است و یکی از مهم‌ترین وظایف منتظران، دیدار با آن حضرت است ولو این کار به بر زمین ماندن اهداف و آرمان‌های بزرگتری بیانجامد، نقد این دیدگاه و آسیب‌های آن مجال دیگری را می‌طلبد. [۱]

۲. دیدگاه تفریطی: براساس این دیدگاه در زمان غیبت هیچ کس نمی‌تواند به محضر امام مهدی (عج) شرفیاب شود. [۲]

۳. دیدگاه میانه: طرفداران این دیدگاه معتقدند ملاقات با امام مهدی (عج) در زمان غیبت امکان دارد و برخی از انسان‌های صالح و پرهیزگار نیز خدمت آن امام عزیز رسیده‌اند لیکن بدون تردید اولاً شرفیابی به محضر امام مهدی (عج) به شرایط و قابلیت‌های فراوانی نیاز دارد و هر کسی توفیق چنین سعادت‌ی را نمی‌یابد و ثانیاً منتظران واقعی حضرت بیش از آنکه به دنبال ملاقات با حضرت باشند. باید در مسیر تأسی به آن حضرت و انجام وظایف و نیز فراهم کردن زمینه‌های ظهور بکوشند.

هدف ما از ذکر این مقدمه توجه دادن پرسشگر محترم به این نکته مهم است که دفاع ما از امکان ملاقات به معنای پذیرش دیدگاه افراطی است.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که طرفداران دیدگاه دوم - عدم امکان ملاقات با امام زمان (عج) - برای اثبات نظریه خود به آن استناد کرده‌اند نامه امام مهدی (عج) به علی بن محمد سمري چهارمین نایب خاص آن حضرت است. متن این نامه که در اواخر عمر علی بن محمد سمري به او ارسال شده چنین است: یا علی بن محمد السمري اسمع اعظم الله اجرا خوانك فيك فانك ميت ما بينك و بين سته ايام فاجمع امرك و لاتوص الى احد يقوم مقامك بعد وفاتك... و سیأتي من شيعتي من يدعي المشاهدة الا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو كذاب مفتر... [۳]

«ای علی محمد سمري گوش فرا ده، خداوند اجر برادران تو را در سوگ تو زیاده گرداند تو تا شش روز دیگر دار فانی را وداع خواهی کرد پس آماده باش و کسی را جانشین خودت قرار مده... و به زودی برخی از شیعیان من ادعای مشاهده می‌کنند آگاه باشید کسی که پیش از خروج سفیانی و شنیده شدن ندای آسمانی چنین ادعایی را بکند دروغ گو و افترا زننده است...»

حال سؤال اساسی این است که چگونه از یک سو امام مهدی (عج) فرموده‌اند مدعیان ملاقات دروغ‌گویند. و از سوی دیگر حکایات فراوانی از ملاقات مؤمنان و صالحان با امام مهدی (عج) در کتاب‌ها نقل شده است.

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

عالمان فراوانی با پذیرش امکان ملاقات در صدد پاسخ به این سؤال برآمده‌اند از جمله علامه مجلسی در بحارالانوار (ج ۵۲، ص ۱۵۱) شیخ محمد عراقی در دارالسلام (ص ۱۹۳) محدث نوری در جنة المأوی (بحار، ج ۵۳، ص ۳۱۸) آیت الله سید محسن امین در اعیان الشیعة (ج ۲، ص ۷۱) برخی از این پاسخ‌ها بدین قرارند:

۱. منظور از مشاهده در این روایت ملاقات با امام مهدی (عج) نیست بلکه منظور مشاهده همراه با ادعای نیابت و وکالت است علامه مجلسی در این باره می‌نویسد: «شاید معنای این نامه امام (عج) به علی بن محمد سمی - این باشد که کسی که ادعای ملاقات با حضرت را بکند و مدعی باشد که نایب آن حضرت است و مثل نواب چهارگانه از طرف آن حضرت اخبار را به شیعیان می‌رساند. چنین شخصی دروغ‌گو و افتراز زنده است. ما نامه را به این شکل معنی کردیم تا با اخباری که از ملاقات برخی با امام زمان (عج) گزارش می‌دهد منافاتی نداشته باشد.» [۴] دو دلیل بر اینکه منظور از مشاهده در این نامه ملاقات همراه با ادعای نیابت است آورده شده است:

الف) دلیل اول سیاق است، منظور از سیاق این است که مخاطب این نامه نایب چهارم است و در این نامه به او اطلاع داده می‌شود که دوران نیابت خاصه به پایان رسیده است و از آن به بعد امام مهدی (عج) نایب خاصی در میان مردم ندارد بنابراین فضای حاکم بر این نامه و مضمون اصلی آن اعلام به پایان رسیدن ارتباط با امام مهدی (عج) از طریق نایبان خاص است وقتی در این فضا گفته می‌شود: «از این پس برخی ادعای مشاهده می‌کنند و آگاه باشید هر کس ادعای مشاهده کند دروغ‌گو است» منظور از مشاهده همان ارتباط خاصی است که در اول نامه از آن گفتگو شده بود و به علی بن محمد سمی پایان یافتن آن گوشزد شده بود یعنی مشاهده همراه با نیابت خاص. ب) واژه مفتر: دومین دلیلی که بر مدعای فوق اقامه شده است واژه مفتر است که در این نامه آمده است: «... فهو کذاب مفتر» مفتر به کسی گفته می‌شود که دورغی را به کسی نسبت دهد. تقریر استدلال به این شکل است که:

در معنای واژه مشاهده «... سیاتی من شعتی من یدعی المشاهدة...» دو احتمال وجود دارد: ۱. ملاقات ۲. ملاقات همراه با ادعای نیابت و وکالت.

اگر منظور از مشاهده ملاقات تنها باشد معنای روایت یاد شده این است که کسی که ادعای ملاقات با امام زمان را بکند دروغ‌گو و افتراز زنده است. دروغ‌گو بودن چنین شخصی معلوم است زیرا طبق مفاد این روایت کسی نمی‌تواند در دوران غیبت با آن حضرت ملاقات کند پس مدعی ملاقات دروغ‌گو است اما این شخص افتراز زنده نیست زیرا دورغی را به امام زمان (عج) نسبت نداده است پس آوردن واژه مفتر لغو است. اما اگر منظور از واژه مشاهده ملاقات همراه با ادعای نیابت باشد کسی که ادعا کند

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

با حضرت ملاقات کرده و آن حضرت او را به نیابت خود برگزیده است. این نامه می‌گوید چنین شخصی هم دروغ گو است و هم افترا زننده دروغ گو بودنش به این دلیل است به دروغ ادعای ملاقات با حضرت رها کرده است و افترا زننده بودنش به این خاطر است که به حضرت نسبت دروغی داده است یعنی مدعی شده است که امام مهدی(عج) مرا به نیابت خاص خود برگزیده است و حال آنکه حضرت چنین کاری نکرده است.

بنابراین ما اگر واژه مشاهده را به معنای ملاقات تنها بگیریم آمدن واژه مفتر در این نامه لغو خواهد بود و اگر آن را به معنای ملاقات با ادعای نیابت بگیریم این واژه لغو نخواهد بود و از آنجا که امام معصوم - علیه السلام - سخن لغو بر زبان جاری نمی‌کنند پس منظور از مشاهده ملاقات همراه با نیابت است. [۵]

۲. پاسخ دیگری که به سؤال یاد شده داده شده است این است که «اصولاً معنای واژه مشاهده ملاقات یا ملاقات همراه با ادعای نیابت نیست بلکه منظور ادعای ظهور است یعنی اگر پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی مدعی شد امام مهدی(عج) ظهور کرده‌اند چنین شخصی دروغگو و افترا زننده است زیرا آن حضرت پیش از تحقق این دو علامت ظهور نخواهند کرد. همچنان که امام صادق - علیه السلام - در حدیثی فرموده‌اند:

نمی‌بینید او را در وقت ظهورش چشمی، مگر اینکه همه چشم‌ها او را خواهد دید پس هر کس برای شما غیر این را بگوید او را تکذیب کنید. [۶]

قرینه مطلب یاد شده این است که خروج سفیانی و صیحه آسمانی از علائم ظهورند پس منظور از ادعای مشاهده قبل از تحقق این دو علامت ادعای تحقق ظهور است. [۷]

خلاصه سخن اینکه: ما بر این باوریم که در بحث ملاقات دیدگاه میانه درست است و روایتی که شما به آن اشاره کرده‌اید نفی کننده ملاقات نیست بلکه ملاقات همراه با نیابت و یا ادعای ظهور پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی را نفی می‌کند. بنابراین میان این روایت و حکایات معتبری که بر ملاقات برخی از مؤمنان پرهیزگار با امام مهدی(عج) دلالت دارد هیچ منافاتی وجود ندارد. برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱. مهدی منتظر، محمد جواد خراسانی

۲. دارالسلام، شیخ محمود عراقی.

۳. جنه المأوی، محدث نوری

پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - فرمودند:

کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند مرا انکار کرده است.

کمال‌الدین تمام، النعمه، ج ۲، ص ۴۱۲

پی نوشت:

[۱]. این دیدگاه گرچه به شکل یادشده از سوی کسی مطرح نشده است، اما برخی عملاً و با رفتار خود چنین دیدگاهی را رواج می‌دهند.

[۲]. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی (قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸) ص ۶۹-۴۴.

[۳]. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، (بیروت: موسسه الوفاء چاپ دوم، ۱۴۰۳) ص ۱۵۱.

[۴]. همان.

[۵]. حبیب‌الله طاهری، سیمای آفتاب (قم: انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۰) ص ۱۷۹ با اندکی تصرف.

[۶]. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶.

[۷]. محمد جواد خراسانی، مهدی منتظر، (تهران: بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیا، چاپ اول، ۱۳۷۱) ص ۹۳.

می‌خواهم در زمان ظهور امام زمان - عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - جزء پیروان ولایت فقیه باشم لطفاً مرا راهنمایی فرمائید؟

پاسخ:

با توجه به اینکه این پرسش به طور کامل گویا و رسا نیست و می‌توان از آن سه سؤال برداشت کرد از اینرو پاسختان را در زیر برداشتهای سه گانه بیان می‌کنیم:

۱. در عصر غیبت چگونه از ولی فقیه پیروی کنم تا در عصر ظهور امام از دیدگاه امام زمان - عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - در دایره پیروان ولی فقیه قرار بگیرم؟

۲. در زمانی که امام زمان - عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - ظهور می‌کند و رهبر جامعه جهانی می‌شود چه کنم که پیرو ولی فقیه باشم نه امام زمان - عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف -؟

۳. چه کارهایی انجام دهم تا در عصر ظهور از پیروان امام زمان - عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - به حساب آیم؟

درباره پرسش نخست می‌توان گفت که مکتب امام زمان - عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - برای شخص ولی فقیه جایگاه و ملوک و معیارهایی قرار داده است و از جمله شرایط ولی فقیه عالم بودن، با تقوا بودن، مدیر و مدبر بودن و... است و وقتی چنین ویژگی‌هایی در وجود شخصی چون امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری جمع شد و به عنوان ولی فقیه به مردم معرفی شد پیروی از او معنا پیدا می‌کند و

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

پیروی از ولی فقیه به معنای اطاعت از بایدها و نبایدهای اوست به عنوان مثال اگر ولی فقیه امر به جهاد کرد باید مطیع امر او بود و اگر نهی از جنگ و قبول قطعنامه را صادر کرد باز باید گوش به فرمان او بود و خلاصه سخن کسی پیرو ولایت فقیه است و ولایت مداری او مورد تأیید امام عصر - عَجَلُ اللهُ تعالی فَرَجَهُ الشریف - که از حدود الهی خارج نمی‌شود و در چارچوبی که ولایت بیان می‌کند حرکت می‌کند و هر چه از این محدوده خارج شود به همان اندازه سرپیچی نموده است و از صراط پیروی فاصله گرفته است و ولایت مداریش از منظر امام عصر خدشه پیدا می‌کند. در جواب پرسش دوم می‌گوییم با توجه به نصب عام فقها، نظریه ولایت فقیه اختصاص به زمان غیبت ندارد، بلکه در زمان حضور هم اگر دسترسی به امام معصوم ممکن نباشد نظریه ولایت فقیه اجرا می‌گردد. [۱] زیرا محتوای این نظریه چیزی جز چاره‌جویی برای مردمی که دسترسی به معصوم ندارند نیست و از اینرو همانطور که مالک اشتر به نصب حضرت علی - علیه‌السلام - والی مصر شد ولی فقیه هم طبق صلاحدید حضرت می‌تواند بر بعضی از بلاد ولایت داشته باشد و در این صورت نیز باید دستورات ولایت را به جان خرید و در برابر دستورهای او سر تسلیم فرود آورد و مطیع ولی فقیه بودن در این زمان هم سرپیچی نکردن از رهنمودهای اوست. گفتنی است در این فرض رعایت اوامر ولی فقیه به منزله رعایت دستور حضرت است چون ولی فقیه خود نیز مطیع و مجری رهنمودهای آن امام است.

اما اگر منظورتان این است که چه کنم تا در عصر ظهور پیروی از پیروان امام زمان - عَجَلُ اللهُ تعالی فَرَجَهُ الشریف - به حساب آییم؟ آنچه قابل ذکر است این است که پیروی از آن جان‌جانان افتخار بزرگی است و برای رسیدن به چنین افتخاری باید در محورهای زیر جد و جهد داشته باشیم. ۱. شناخت امام عصر - عَجَلُ اللهُ تعالی فَرَجَهُ الشریف - : مهمترین وظیفه‌ای که هر شیعه منتظر بر عهده دارد و کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است چنان که در یکی از دعاهای معروف و معتبری که شیخ صدوق آنرا در کتاب کمال الدین نقل کرده است می‌خوانیم: بارالها! خودت را به من شناسان که اگر خودت را به من شناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. بارالها! پیغمبرت را به من شناسان که اگر پیغمبرت را به من شناسانی حج تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجت خود را به من شناسان که اگر حجت را به من شناسانی از دین گمراه می‌گردم...» [۲] ۲. پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها: وظیفه مهم دیگری که هر شیعه منتظر بر عهده دارد پیراستن خود از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است، چنان که در روایتی که از امام صادق - علیه‌السلام - نقل آمده است: «هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم - علیه‌السلام - باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید...» [۳]

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

امام عصر - عَجَلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - هم می فرماید: «هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم ما می گردد دوری گزیند...» [۴]

۳. پیوند با نظام ولایت: یک منتظر واقعی حضرت حجت - علیه السلام - با وجود غیبت ظاهری آن حضرت هرگز نباید احساس کند که در جامعه رها و بی مسئولیت است و هیچ تکلیفی نسبت به امام و مقتدای خود ندارد. این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است چنان که امام محمد باقر - علیه السلام - در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می فرماید: «إصبروا على أداء الفرائض و صابروا عدوكم و رابطوا امامكم» (المنتظر). [۵]

«بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنان پایداری کنید و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم نمایید.»

۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق: یکی دیگر از وظایفی که به تصریح روایات در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج حضرت است کسب آمادگی های نظامی برای حضرت امام - علیه السلام - است. چنانکه از امام صادق - علیه السلام - نقل شده است که: لِيَعْدَنَّ أَحَدُكُمْ يَخْرُجُ الْقَائِم - علیه السلام - ولو سهماً...؛ هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم - علیه السلام - (سلاحی) را مهیا کنید هر چند که یک تیر باشد.

۵. ارتباط با مراجع تقلید: ائمه - عليهم السلام - تکلیف ما را در زمان غیبت امام معصوم مشخص کرده اند و به ما امر فرموده اند که به فقهای جامع شرایط مراجعه کنیم چنان که در روایتی که امام حسن عسکری - علیه السلام - از امام صادق - علیه السلام - نقل می کند می فرماید: «بر مردم لازم است از فقیهی پیروی کنند که با تقوا است و اوامر مولای خود را اطاعت می کند و دین خود را نگهداری می کند. [۶]

۶. دعا برای تعجیل فرج: بنابه تصریح صاحب الامر دعا برای تعجیل فرج حضرت از وظایف پیروان و منتظران حضرت است. امام عصر - عَجَلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - در توقیعی که خطاب به «اسحاق بن یعقوب» صادر شده می فرماید: «وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» [۷] برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در فرج من است.

و نیز از جمله وظایف پیروان حضرت، بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی - علیه السلام - بر پا خاستن به هنگام شنیدن نام او، نکوداشت روزهای منسوب به حضرت و آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه امام - علیه السلام - می باشد.

برای مطالعه بیشتر به کتابهای مکیال المکارم، ج اول تألیف مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی و خورشید مغرب محمد رضا حکیمی مراجعه کنید.

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

امام علی - علیه السلام - می فرماید:

تلخکامی دنیا، شیرینی آخرت و شیرینی دنیای حرام تلخکامی آخرت است. [۸]

پی نوشت:

[۱]. استاد محمد تقی مصباح یزدی، پرسشها و پاسخها، ج اول، موسسه آموزشی امام خمینی (ره)، چاپ

یاران، چاپ ششم، بهار ۱۳۷۸.

[۲]. فرهنگ انتظار، ج ۱، ابراهیم شفیعی سروستانی، به نقل از کمال الدین، صدوق ج ۲، در یک مجله

ص ۵۱۲، تهران دارالکتب الاسلامیه ۱۳۵۹، هـ.ق. [۳]. الغیبه، النعمانی، محمد بن ابراهیم، ص ۲۰۰، ج

۱۶، تهران، مکتبه الصدوق.

[۴]. المجلسی، المولی محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۶، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.ق.

[۵]. النعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۱۹۹، تهران مکتبه الصدوق.

[۶]. الحر العاملی محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵، ح ۲۰.

[۷]. الطوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، ص ۱۷۶، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.

[۸]. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

آیا ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بستگی به تعداد یاران ایشان دارد یا به شرایط و اوضاع حاکم بر زمان؟

پاسخ:

غم مخور ایام هجران رو به پایان می رود این خماری از سر ما میگساران می رود برده را از روی ماه خویش بالا می زند غمزه را سر می دهد، غم از دل و جان می رود [۱]

ظهور حضرت مهدی (عج) یک فرمان حتمی و قطعی خداوند است و یکی از نوامیس آفرینش بشر است که اگر نباشد، آفرینش بشر، در واقع، به هدف نهایی نمی رسد. خداوند انسان را برای تکامل آفریده است، جامعه ی انسانیت را برای کمال آفریده است اگر با ظلم و جور، این جامعه نابود شود، هدف آفرینش انسان «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» [۲] تأمین نشده است. [۳] اما این که آیا این قیام جهانی و ظهور حضرت به چه مؤلفه هایی بستگی دارد به یقین قیامی به آن گسترده گی فقط به تعداد یاران بستگی ندارد بلکه عوامل و زمینه های دیگری باید وجود داشته باشد تا حضرت ظهور و قیام نماید و عدالت الهی را گسترش داده و جهانی نماید. گفتنی است حضرت مهدی (عج) ظهور می کند تا تشکیل حکومت اسلامی جهانی بدهد از این رو ظهور حضرت زمانی به وقوع می پیوندد که چنین زمینه ای هم وجود داشته باشد و اینک آمادگی های لازم را برای ظهور ذکر می کنیم:

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

۱. آمادگی فکری و فرهنگی: یعنی سطح افکار مردم جهان چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسئله «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیایی» مسئله قابل توجهی در زندگی بشر نیست و تفاوت رنگ ها و زبان ها و سرزمین ها نمی تواند بشر را از هم جدا سازد. قرآن کریم هم شایستگی و صلاحیت را شرط آن انقلاب دانسته است و می فرماید: ما در زبور نوشتیم که بندگان شایسته و صلاحیتدار ما قدرت زمین را به دست می گیرند.» [۴] پس به یقین حضرت زمانی ظاهر می شود که سطح افکار مردم بالا باشد.

۲. آمادگی اجتماعی: مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند، تلخی این زندگی مادی و یک بعدی را احساس کنند و حتی از این که ادامه این راه یک بعدی ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند امام صادق - علیه السلام - فرمود: تا همه اصناف مردم به حکومت نرسند حضرت مهدی قیام نمی کند برای اینکه وقتی حکومتش را تشکیل داد کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم. [۵]

۳. آمادگی های تکنولوژی و ارتباطی: برخلاف آنچه بعضی می پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، تنها با نابودی تکنولوژی جدید امکان پذیر است، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال باشد... سپس می افزاید معجزه استثنایی است منطقی در نظام جاری طبیعت، برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی، نه برای اداره همیشگی نظام جامعه. [۶]

۴. آمادگی های فردی: حضرت مهدی (عج) زمانی ظهور می کند که یاران آماده ای داشته باشد زیرا او می خواهد جهانی عمل و اصلاح کند و حکومت جهانی قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی است تا بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را به دوش بکشد. و این در درجه اول به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای پیاده کردن آن برنامه عظیم نیاز دارد. امام صادق - علیه السلام - می فرماید: امام زمان (عج) ظهور نمی کند، مگر آن که تعداد آنان به ده هزار نفر برسد. [۷] و شیخ حر عاملی می گوید: در روایت است که تعداد کامل سپاه امام زمان (عج) صد هزار نفر است. [۸]

۵. آمادگی نظامی: مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد، تا به هنگام طلوع طلایع حق، به صف پیکارگران رکاب مهدی (عج) بیوند، و در آن نبرد بزرگ حق و باطل، حماسه آفریند و کمک رساند و امام صادق - علیه السلام - منتظران را فرا می خواند تا همواره نیرومند و مسلح باشند و دوره انتظار مهدی (عج) را با دست پر، به سر آورند. [۹] «باید هر یک از شما برای خروج قائم (عج) اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه.» [۱۰]

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

خلاصه سخن: هر نهضت و انقلابی در صورتی امکان پیروزی دارد که زمینه آن از هر جهت فراهم باشد و اوضاع و شرایط کاملاً آماده باشد یکی از شرائط مهم موفقیت این است که عموم ملت خواستار آن انقلاب باشند و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی آن مهیا باشد و قیام حضرت مهدی (عج) نیز از این قاعده و قانون خارج نمی باشد و علاوه بر این به آمادگی های دیگری از جمله آمادگی فکری آمادگی تکنولوژی و ارتباطی و آمادگی نظامی نیز نیاز می باشد. بنابراین ظهور امام زمان (عج) هم به یاران و هم به شرایط و اوضاع جامعه جهانی بستگی دارد و علاوه بر آنچه گفته شد راز و رمزهای دیگری [۱۱] نیز برای قیام حضرت وجود دارد که خدای دانا از زمان پیدایش آنها با خبر است، هرگاه همه امورات مربوط به آن قیام جهانی جایگاه خویش را بیابند، ظهور نیز محقق خواهد شد. برای مطالعه بیشتر به کتاب خورشید مغرب نوشته محمدرضا حکیمی و نیز حکومت جهانی مهدی نوشته حضرت آیت الله مکارم شیرازی مراجعه شود.

محمد بن مسلم می گوید: امام صادق - علیه السلام - به من فرمودند:

هر کس وقت ظهور را برایت تعیین کرد، از تکذیب کردنش باک نداشته باش، زیرا ما برای ظهور وقتی تعیین نمی کنیم.

بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴ - ۱۱۷.

پی نوشت:

[۱]. دیوان امام خمینی (ره)، ص ۱۱۱.

[۲]. ذاریات، آیه ۵۶.

[۳]. فصلنامه تخصصی انتظار، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۲ در محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی.

[۴]. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، انتشارات شفق، چاپ قدس، ص ۲۴۱، حکومت جهانی مهدی

(عج)، شیرازی، انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم، ص ۱۰۰.

[۵]. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴ مؤسسه الوفاء بیروت.

[۶]. حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۸۲، انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم.

[۷]. نعمانی، غیبه، ۳۶۰ هجری قمری، کتابفروشی صدوق، تهران ص ۳۰۷. حر عاملی، اثبات الهداء،

چاپخانه علمیه قم، ج ۳، ص ۵۴۸.

[۸]. اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۸، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ۳۶۷، مؤسسه الوفاء بیروت.

[۹]. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، چاپ بیست و سوم، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ص ۲۷۴.

[۱۰]. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

[۱۱]. گفتنی است در روایت از امام صادق - علیه السلام - آمده است حضرت مهدی (عج) ظاهر نمی

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

شود تا نطفهٔ افراد با ایمانی که در صلب کافران و منافقان ودیعه نهاده شده است خارج شوند. (اثبات الهداء، ج ۷، ص ۱۰۵).



مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی